



گزارش سمینار نفت و پول، ۱۴ و ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ - لندن

انرژی در اقتصاد جدید

به نقل از بولتن کنفرانسها، شماره ۳۱، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

سمینار نفت و پول در ماه نوامبر هر سال توسط گروه انرژی اینتلیجنس (EIG) در لندن برگزار می‌گردد. در این سمینار اغلب شخصیت‌های برجسته و کارشناسان خبره صنعت نفت سخنرانی داشته و تعداد زیادی از دست‌اندرکاران نیز در آن شرکت می‌نمایند. سمینار نفت و پول به بررسی مسائل جاری و جهت‌گیری آتی صنعت بین‌المللی نفت می‌پردازد. همچنین در این سمینار گفتگو و بحث میان کارشناسان و همچنین سخنرانان صورت می‌پذیرد که فرصت بهتری را برای شرکت‌کنندگان در کنفرانس ایجاد می‌کند.

بیست و یکمین جلسه سالیانه این کنفرانس تحت عنوان «انرژی در اقتصاد جدید» روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه ۱۴ و ۱۵ نوامبر سال ۲۰۰۰ تشکیل گردید که مطالب آن در ۸ بخش ارائه گردید. در ابتدای سمینار توماس ویلین^(۲) رئیس دفتر عملیات گروه ضمن خیرمقدم به حاضرین کنفرانس را افتتاح کرد. وی خیر الکترونیکی شدن نشریه PIW را به اطلاع حضار رساند. پس از آن سخنران مراسم افتتاحیه که وزیر نفت کویت بود مطالب خود را ارائه کرد. وی به بحث در مورد آینده بازار نفت پرداخت. به اعتقاد او روند جهانی شدن تغییرات بسیاری را در جهان ایجاد می‌نماید که این تغییرات شامل توجه بیشتر کشورها به اقتصاد بازار، یکپارچگی اقتصادی و آزادسازی اقتصادی است. البته تکنولوژی‌های جدید و انقلاب در تکنولوژی اطلاعاتی و ظهور تجارت الکترونیکی و اینترنت فرصتهای جدیدی را برای ارتباطات و تجارت ایجاد می‌کند. وی به این نکته اشاره داشت که تکنولوژی‌های جدید هزینه‌های اکتشاف و توسعه را از ۲۲ دلار/بشکه در سال ۱۹۸۰ به ۵ دلار در هر بشکه کاهش داده است.

وزیر نفت کویت افزود، کاهش قیمت‌ها در سال ۱۹۹۸-۹۹ تغییرات اساسی در بازار ایجاد کرد به طوری که شرکت‌های نفتی تحت فشار قرار گرفتند و به بررسی استراتژی‌های خود پرداختند و از طریق ادغام سعی در کاهش هزینه و افزایش سودآوری داشتند. کاهش قیمت‌های نفت به دلیل کاهش تقاضا، افزایش ذخایر نفت و اضافه عرضه‌ای که در بازار وجود داشت، همگی سبب آن شدند تا کشورهای تولیدکننده درآمدهای کلانی را از دست دادند و در نتیجه برنامه‌های اجتماعی و توسعه‌ای آنها متوقف شده و بیکاری در این کشورها افزایش یافت و مهمتر اینکه، ثبات سیاسی آنها مورد تهدید قرار گرفت. کاهش درآمد هم در شرکت‌های ملی نفت و هم در شرکت‌های بین‌المللی سبب شد تا طرح‌های سرمایه‌گذاری کاهش یابد که در نتیجه، امروزه شاهد کاهش ظرفیت مازاد تولید هستیم، به طوری که تنها دو کشور آن هم به مقدار کم ظرفیت مازاد دارند. وی رسماً اعلام کرد که کویت دارای ظرفیت مازاد نیست، اما در سال آینده ظرفیت تولید این کشور حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت. وی خاطر نشان ساخت، با توجه به اینکه کشورهای نفتی کاملاً وابسته به درآمدهای نفتی هستند، در نتیجه به دنبال دستیابی به قیمتی هستند تا رشد

اقتصادی با ثباتی را برای آنها به ارمغان آورده که به این وسیله بتوانند برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی خود را اجرا نمایند. بنابراین، قیمت‌های پایین نمی‌تواند سطح مطلوبی برای دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی کشورهای تولیدکننده باشد. وزیر نفت کویت خاطر نشان ساخت، قیمت متوسط سال جاری که ۲۸ دلار برای نفت برنت است، معادل ۷ دلار سال ۱۹۹۳ است.

وی ادامه داد، من اطمینان دارم که در قرن جدید، نفت نقش مهمی را در رشد جهانی اقتصاد در چارچوب توسعه پایدار ایفا خواهد نمود و بدون شک صنعت نفت مواجه با چالش‌های جدیدی خواهد شد. وی ضمن انتقاد از مالیات بر مصرف که ۶۵ تا ۸۰ درصد از قیمت نهایی نفت را تشکیل می‌دهد، پیشنهاد کرد که تعیین قیمت به بازار موکول شود. وی همچنین معتقد بود که اگر دولتهای مصرف‌کننده نیمی از درآمدهای مالیاتی خود را به اوپک بدهند و در مقابل نفت را به طور مجانی از اوپک دریافت نمایند، این معامله به نفع اوپک خواهد بود. نامبرده ضمن اعلام نیاز کویت به تکنولوژی‌های نوین، خاطر نشان ساخت که انعقاد هرگونه قرارداد جدید براساس قانون اساسی این کشور خواهد بود.

آقای آگار^(۳) که اداره‌کننده جلسه بود، پس از خاتمه سخنرانی وزیر نفت کویت اظهار داشت، باید این بار به روابط عمومی اوپک تبریک گفت، زیرا مردم بر خلاف گذشته، در مورد افزایش اخیر قیمت نفت دولتهای خود را متهم می‌کنند.

ساختار در حال تغییر صنعت جهانی نفت

سخنرانی بعدی سمینار، جان آرنت جاکوبسن^(۴) بود که در ارتباط با تغییرات ساختاری صنعت نفت سخنرانی نمود. وی اظهار داشت، طی ۲۵ سال گذشته منابع نفت و گاز روز به سرعت رشد یافته است. شوک نفتی در اواخر دهه ۱۹۹۰ سبب گردید تا تغییرات ساختاری در صنعت نفت رخ دهد. همچنین آزادسازی بازارها، به ویژه در اروپا از عوامل مهم دیگری بود که بر این صنعت تأثیر گذاشت. شرکت نفت دولتی نروژ (استات اوپل)، در پاسخگویی به تحولات بازار نفت این فعالیتها را انجام داده است:

- ۱- توجه بیشتر به عامل تکنولوژی
- ۲- کاهش هزینه‌ها
- ۳- بازنگری در استراتژی‌ها برای رشد بیشتر

۴- بهبود مدیریت و سیستم‌های کنترل
۵- تجدید ساختار سبد دارایی‌ها (پورفولیو) در بخشهای بالادستی و پایین‌دستی.
وی خاطر نشان کرد، تجارت الکترونیکی در صنعت ما رو به رشد است و شرکت‌های زیادی وارد این نوع تجارت شده‌اند، به طوری که بازاریابی و فروش از این طریق رواج یافته است. وی افزود، در حال حاضر ما به دنبال کاهش هزینه‌های ۲۰ درصدی تولید، هزینه‌های عملیاتی و بالاسری طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۸ هستیم. با فعالیتهایی که در پاسخگویی به تحولات بازار انجام می‌دهیم، صنعت انعطاف‌پذیرتر و مناسبتی‌تر خواهیم داشت. وی معتقد بود، اگر اوپک در یک کفه ترازو قرار گیرد، تکنولوژی اکتشاف و تولید و هزینه‌های تولید در کفه دیگر خواهند بود.

سخنران بعدی، رئیس اجرای شرکت نفت کویت، نادرسلطان بود. وی با اشاره به این تغییرات موجب پیشرفت می‌گردد و بازار تحولات خاصی را تجربه می‌کند، سخنان خود را آغاز کرد. وی سپس به بررسی وضعیت بازار پرداخت و به محدودیت ظرفیت تولید اشاره نمود. همچنین وی یکی از ویژگیهای بازار را استفاده از تجارت الکترونیکی نامید. وی اعلام کرد، کویت قصد دارد تا منابع نفت و سطح تولید خود را با استفاده از قراردادهای ارائه خدمات افزایش دهد. نامبرده معتقد بود، اگر افکار عوض نشود، چیزی عوض نخواهد شد. وی ضمن مهم خواندن عامل روانی در بازار خاطر نشان ساخت که تأثیر عوامل روانی در بازار نفت به مراتب بیشتر از قبل است. به اعتقاد او، با ورود سلولهای سوختی و تکنولوژی سوخت هیدروژنی، فشار زیادی بر تقاضای نفت وارد خواهد شد.

سخنران بعدی، رابرت ماکویر^(۵) از مؤسسه مورگان استنلی بود که ضمن بیان اهمیت عوامل تعیین‌کننده قیمت انرژی‌ها، محیط‌زیست و بازار سرمایه، خاطر نشان ساخت که خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی به محیط و فضای خاص آن بستگی دارد. از یک سو باید اقتصاد مدنظر باشد و از سوی دیگر فضای اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد.

فرصتهای اکتشاف و تولید در قیمت‌های

پایین و بالای نفت در جهان

سخنران بعدی آقای مورالی^(۶) معاون شرکت هالی‌رتون^(۷) بود. وی توضیحاتی مبنی

بر اینکه پیشرفت‌های زیادی در مورد افزایش اطلاعات مخزن و نیز لوله‌گذاری‌ها صورت گرفته است، ارائه نمود. وی همچنین معتقد بود که تلاش‌های زیادی در بهره‌برداری از منابع نفتی آب‌های عمیق صورت می‌گیرد.

سخنران بعدی، ماتیو سیمونس^(۸)، رئیس شرکت بین‌المللی سیمونس بود که در مورد وضعیت تولیدکنندگان غیر عضو اوپک توضیحاتی ارائه کرد. وی معتقد بود، این گروه از تولیدکنندگان قادرند تا مدتها با قیمت‌های پایین به تولید خود ادامه دهند. از طرف دیگر، وی نسبت به آغاز بحران دیگر انرژی هشدار داد. زیرا به عقیده وی، ظرفیت‌های مازاد اوپک در حال ناپدید شدن است و مهمتر از آن، این است که کیفیت نفت‌خامها در حال تغییر است و آمریکا در مورد انرژی، به ویژه گاز طبیعی با مشکلات جدی مواجه است. وی به پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی در مورد افزایش تقاضای سال ۲۰۰۱ به میزان دو میلیون بشکه در روز اشاره کرد و مقدار آن را حداقل در مورد آمریکا و روسیه اشتباه دانست.

سخنران دیگر کمیته اکتشاف و تولید آقای هاریسون^(۹)، معاون شرکت سرمایه‌گذاری شودرکمپر^(۱۰) بود. وی در ابتدا به شرایط سختی که صنعت نفت جهان با آن مواجه است اشاره کرد و به عنوان مثال، کاهش ظرفیت‌های مازاد و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها را مورد توجه قرار داده و راه حل این مشکلات را خصوصی‌سازی مجدد در این صنعت اعلام کرد. وی رشد تولید نفت شرکتها را در دوره ۹۷-۱۹۹۳ به میزان ۶۱ درصد اعلام کرد، در حالی که این رقم برای دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۷ فقط ۶/۶ درصد بوده است. وی عوامل اقتصاد، قیمت، هزینه و زمان را در تولید نفت مؤثر دانسته و از مناطق غرب آفریقا، برزیل و خزر به عنوان فرصت‌های افزایش نام برد و تولید آبی و افزایش توان بالقوه تولید روسیه و ونزوئلا (نفت سنگین) را بیش از دیگران ارزیابی کرد. وی معتقد بود، وضعیت کنونی بازار نفت تا ده سال آینده به همین صورت خواهد بود و مشکلات اساسی بازار در کوتاه مدت قابل علاج نیست.

سخنران بعدی، پیتر دیویس^(۱۱) معاون شرکت نفت انگلیس (بی‌پی) بود که در ارتباط با فرصت‌های جدید در خاورمیانه سخنرانی نمود. وی اظهار داشت، صنعت بین‌المللی نفت در

حال تغییر اساسی است و خاورمیانه نیز از این قاعده مستثنی نیست. به نظر وی، در آینده سه نیروی مؤثر وجود دارند که صنعت را شکل می‌دهند:

- ۱- نیروی بازارهای نفت، گاز و انرژی و همچنین بازارهای مالی
- ۲- فشاری که ناشی از جهان شدن است
- ۳- رقابت.

وی افزود، اکنون پس از ۲۰ سال فرصت‌های جدیدی در صنعت نفت خاورمیانه ایجاد شده است. در بخش نفت جریان سرمایه در حال انجام است، ولی ساختار و روابط مانند گذشته نخواهد بود و عمیق‌تر و گسترده‌تر خواهد شد. در این خصوص تنها بحث نفت مطرح نخواهد بود، بلکه گاز طبیعی و صنایع پایین‌دستی نفت

**کاهش درآمد
هم در شرکتهای ملی نفت
و هم در شرکتهای بین‌المللی
سبب شد تا طرحهای سرمایه‌گذاری کاهش یابد
که در نتیجه، امروزه شاهد
کاهش ظرفیت مازاد تولید هستیم،
به طوری که تنها دو کشور
آن هم به مقدار کم
ظرفیت مازاد دارند**

نیز مطرح هستند و بازسازی حوزه‌های نفتی نیز در کنار حوزه‌های جدید مطرح می‌شوند. همچنین طرحهای انتقال گاز از طریق خط لوله و به صورت LNG به بازار نیز وجود دارد و سرمایه‌گذاری در بازارهای داخلی نیز در کنار صادرات مطرح است. همچنین باید به پروژه‌های بازاریابی گاز، تولید برق و شیرین‌سازی آب نیز اشاره کرد. وی به طور کلی معتقد بود که صنعت جهانی نفت تغییر یافته و به دوره جدیدی قدم نهاده است که در آن شرکتها ادغام شده و شرکت‌های جدیدی پا گرفته‌اند که رقابت، عملکرد و رشد سرلوحه کار آنان است.

سخنران بعدی، هال هاروی^(۱۲)، در رابطه با اینکه جهانی شدن همه چیز را تغییر می‌دهد،

بحث خود را آغاز کرد. وی معتقد بود، جهانی شدن به شرکتهای نفتی این امکان را می‌دهد که به بازارهای بزرگتر و به نیروی کار و تکنولوژی بهتر نیز دسترسی پیدا کنند. همچنین این کار به مشتریان این امکان را می‌دهد که اطلاعات را سریعتر کسب نمایند.

وی افزود، در ارتباط با محیط زیست نیز فشارهای عمومی بسیاری وجود دارد، بنابراین میزان آلاینده‌ها کاهش خواهد یافت، به طوری که در حال حاضر اروپا و ژاپن به دنبال سوخت‌هایی هستند که آلودگی کمتری ایجاد کنند. اما ایالت کالیفرنیا گرچه بر کاهش آلودگی تأکید می‌کند، ولی درخصوص انرژی سیاست خاصی را دنبال نمی‌کند. در حال، بهترین تجربه‌ها در آینده مورد استفاده قرار خواهد گرفت تا آلودگی کاهش یابد و ما شاهد افزایش سرمایه‌گذاری در انرژی‌هایی با تکنولوژی بالاتر، از جمله سلول سوختی، باد، خورشیدی و انرژی هیدروژنی خواهیم بود. بنابراین، شرکتهایی که انرژی تمیزتری را ارائه نمایند ارجحیت خواهند داشت و مهارت در تکنولوژی‌های تمیز دارای امتیاز خواهد بود.

جستجو برای فرصتهای جدید

سخنران بعدی، مدیر شرکت پترولیوم فاینانس^(۱۳)، رابین وست^(۱۴) بود که در رابطه با رقابت صنعت انرژی برای سرمایه، سخنانی ایراد نمود. وی اظهار داشت، صنعت انرژی اکنون از بعد کمیت به سوی کیفیت گام برمی‌دارد و روندها حاکی از همگرایی و اتحاد است و رقابتی جدیدی در راهند. حدود ۴۰ درصد از سرمایه بازار (۱/۷۵ تریلیون دلار) در اختیار شرکتهای اکسان موبیل، شل، بی‌پی و توتال فینا الف قرار دارد و حدود ۳۰ درصد از این ظرفیت نیز در اختیار شرکتهای گاز و برق است. وی افزود، سرمایه‌گذاری‌های بزرگتر خوب است ولی نه همیشه، زیرا هزینه‌های سرمایه‌ای کاهش می‌یابد، بازگشت سرمایه بیشتر می‌شود، نقدینگی سبب داراییها (پورتفولیو) افزایش می‌یابد، مخاطرات تقسیم می‌شوند و از بعد مالی شرکتها توانمندتر شده و قابلیت اجرای پروژه‌های بسیار بزرگ را پیدا می‌کنند.

در پنج سال گذشته، متوسط قیمت سهام شرکتهای گاز و برق رشدی به مراتب بیشتر از شرکتهای نفتی داشته است و در میان شرکتهای نفتی، تنها شرکت ترانس‌کوم^(۱۵) شاهد ۲۵۹ درصد افزایش در قیمت سهام خود بوده است. در

حالی که اغلب شرکتهایی که در زمینه گاز و برق فعالیت داشته‌اند، بیش از ۳۰۰ درصد افزایش قیمت سهام را تجربه کرده‌اند. آنچه مسلم است، عملکرد شرکتهای گاز و برق بسیار بهتر از شرکتهای نفتی بوده است. در حالی که شرکتهای نفتی سرمایه‌های فراوانی در اختیار دارند و نرخ بازگشت سرمایه آنان در مقایسه با سایر شرکتهای انرژی بیشتر است، ولی نرخ بازگشت سهام آنان در مقایسه با شرکتهایی همچون انرون و داینرزی^(۱۶) طی دهه ۱۹۹۰ نتوانسته است به سرعت رشد یابد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که شرکتهای انرژی سودآورتر از شرکتهای نفتی بوده‌اند.

شرکت اکسان طی دهه ۱۹۹۰ به دنبال افزایش نرخ بازگشت سرمایه بوده است، به طوری که تولید این شرکت در محدوده ۱/۲۵۰-۰/۹ میلیون بشکه معادل نفت قرار داشته و افزایشی در آن مشاهده نمی‌گردد. البته پس از ادغام با موبیل در سال ۱۹۹۹، رشد تولید در آن مشاهده می‌شود. الگوی بی‌پی نیز همانند اکسان بوده است، در حالی که شرکت شل سعی در افزایش تولید داشته و در عوض نرخ بازگشت سرمایه آن محدود شده است. چنین پدیده‌ای در شرکت توتال نیز مشاهده می‌شود.

بنابراین، شرکتهای نفتی به دنبال افزایش درآمدهای خود خواهند بود و برای این منظور سه کار می‌توانند انجام دهند:

- ۱- به تنهایی به فعالیت سنتی خود ادامه داده و شرکتهای بیشتری بخرند
 - ۲- پاداش و سود سهام را به سهامداران برگردانند
 - ۳- در فعالیتهای جدید سرمایه‌گذاری نمایند.
- این سرمایه‌گذاری می‌تواند شامل سرمایه‌گذاری استراتژیک باشد، مانند شورون-داینرزی یا شل مانیترون/گورال یا خرید شرکتهایی همچون الپاسو.

چشم‌انداز بازار نفت: آیا اوپک همبستگی خود را حفظ می‌کند

جد دیویس^(۱۷) معاون تجارت و محیط زیست شرکت بین‌المللی شل در خصوص سهمیه‌بندی اوپک و رابطه آن با تثبیت یا نوسان قیمت‌ها سخنرانی کرد. وی اعتقاد داشت که سه عامل عمده در نوسانات قیمت نقش دارند. اولین عامل ساختار تصمیم‌گیری اوپک است. در عصری که ما زندگی می‌کنیم بازارها در ثانیه‌ها، دقیقه و یا ساعتها تغییر می‌یابند در حالی که

اوپک تصمیم‌گیری خود را براساس ماهها بنا نهاده است. عامل دوم، تفاوت اعضای اوپک از لحاظ اقتصادی است. عامل سوم نیز تناقض پنهان اعضای اوپک در کوتاه و بلندمدت است.

وی افزود، هنوز هم نفت کالایی استراتژیک است، ولی بدون شک از سال ۱۹۷۰ تاکنون، اهمیت آن در اقتصاد کم شده است. می‌توان گفت که در حال حاضر قیمت واقعی نفت خام نسبت به سال ۱۹۷۳ کمتر است، زیرا براساس سال پایه ۱۹۷۳ اکنون قیمتها باید ۵۰ دلار در هر بشکه می‌بود و براساس سالهای ۷۴-۱۹۷۳، این رقم به ۷۵ دلار در هر بشکه بالغ می‌شد. پس سهم نفت در اقتصاد جهانی از اواسط دهه ۱۹۷۰ تاکنون به یک سوم خود کاهش یافته است. در حال حاضر راندمان انرژی در کشورهای OECD بهبود یافته است و اگر قیمتها به همین ترتیب بالا باقی بماند، این پدیده یعنی بهبود راندمان تداوم خواهد یافت. به عبارت دیگر، تمام جایگزین‌ها با سطح تکنولوژی فعلی تغییر یافته است و تنها وابستگی بخش حمل و نقل به نفت به قوت خود قوی است. عرضه تولیدکنندگان غیر عضو اوپک در دهه ۱۹۹۰، هر سال رشدی معادل ۶۵۰ هزار بشکه در روز داشته است و در سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ این رقم به یک میلیون بشکه در روز رسید. این رشد در سال ۱۹۹۹ متوقف شد و در سال ۲۰۰۰ احیا شد و به ۱/۲ میلیون بشکه در روز رسید. همچنین برآوردها برای سال ۲۰۰۱ حاکی از حدود یک میلیون بشکه در روز افزایش است. این برآوردها نشان می‌دهد که اگر قیمت نفت برنت ۲۰ دلار در هر بشکه باشد، تولید دریای شمال در سال ۲۰۱۲ به حداکثر خود خواهد رسید و در قیمتهای ۱۵ دلار و ۱۰ دلار در هر بشکه، تولید از سال ۲۰۰۵ با افت شدید مواجه خواهد بود.

سخنران بعدی، نورالدین آیت لوسینی، رئیس شرکت نالکوسا^(۱۸) بود که در ابتدا این سؤال را مطرح کرد که آیا اوپک از تجربیات گذشته درس آموخته است؟ وی در پاسخ اظهار داشت، البته سازمانی در سن ۴۰ سالگی باید این درس را آموخته باشد. وی در مورد امکان اعمال سیاست کسب سهم بازار اظهار تردید نمود و اعلام کرد، اجرای این سیاست هم اکنون با محدودیت‌های جدی مواجه شده است. علاوه بر آن، تولیدکنندگان مهم غیر عضو اوپک، نظیر نوروژ و مکزیک هم به این نتیجه رسیده‌اند که باید با اوپک همکاری نمایند. البته در تداوم همکاریهای درون اوپک نیز سؤالات متعددی

وجود دارد، از جمله اینکه ماه عسل ایران و عربستان چقدر طول خواهد کشید و یا طول عمر حکومت آقای چاوز در ونزوئلا چقدر خواهد بود. وی محدودیتها اوپک را به این شرح اعلام کرد:

- ۱- اوپک معمولاً بالاتر از توافقات تولید کرده است
 - ۲- رشد تولید اعضای غیر اوپک بر اوپک فشار وارد می‌کند
 - ۳- تصمیم‌گیری‌های اوپک همواره با تأخیر مواجه بوده است (نمونه آن سیاست کاهش تولید گذشته بود که ۱۸ ماه تأخیر داشت)
 - ۴- قیمت‌گذاری اوپک متأثر از بازار است.
- وی در انتها نتیجه‌گیری کرد، اوپک قیمتها را در سطح پایین‌تر بهتر مدیریت می‌کند تا در سطح بالا، از این‌رو زود است بگویم که قیمتها وارد فضای جدیدی شده‌اند.

سخنران بعدی، فریدون فشارکی بود که نقش تقاضای آسیا در تقاضای جهانی نفت را مهم توصیف کرد، زیرا در سالهای ۹۶ و ۱۹۹۷ تقاضای آسیا بخش اصلی تقاضای جهانی را تشکیل می‌داد. در سال ۱۹۹۸ که رشد تقاضا کاهش یافته و به ۶۰۰ هزار بشکه در روز رسید، سهم آسیا علی‌رغم اوضاع نامناسب اقتصادی، ۲۰۰ هزار بشکه در روز بود. در سال ۲۰۰۰ میلادی نیز سهم افزایش تقاضای آسیا حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز بود و پیش‌بینی می‌شود، سهم این منطقه از رشد تقاضای سال آینده، ۶۲۵ هزار بشکه در روز باشد.

وی نقش آمریکا را نیز مهم توصیف کرد، زیرا به عقیده وی، در آمریکا از یکسو تولید کاهش می‌یابد و از سوی دیگر تقاضا به شدت بالا می‌رود. فشارکی معتقد بود، نقش بازیگران اصلی در رشد تقاضای آسیا به تدریج عوض خواهد شد، زیرا هم‌اکنون بالاترین رشد به کره، هند، چین و ژاپن تعلق دارد، در حالی که در سال ۲۰۱۰ به ترتیب بالاترین تقاضا به چین، ژاپن، هند و کره تعلق خواهد داشت. وی منبع اصلی تأمین نفت آسیا را خاورمیانه اعلام کرد، به این ترتیب که سهم خاورمیانه در تأمین نفت آسیا از ۵۳ درصد به ۵۹ درصد در سال ۲۰۰۵ خواهد رسید.

سخنران بعدی این کمیته، آقای فرانسس^(۱۹)، مدیر شرکت پترولیوم اکونومیکس^(۲۰) معتقد بود که سطح ذخیره‌سازها هنوز پایین است، اما در اواخر سال سطح ذخایر بالا می‌رود. به عقیده وی، البته سطح ذخایر نفت خام و فراورده هر دو

پایین است، اما وضع فرآورده تا حدودی بهتر است. وی پیش‌بینی کرد، متوسط ذخیره‌سازی در طول سال ۲۰۰۰ میلادی، ۴۰۰ هزار بشکه در روز خواهد بود و در مورد ظرفیتهای مازاد نیز اعلام کرد که نظرات در این مورد متفاوت است، اما مقدار قابل توجه این ظرفیت در عربستان است که مقدار آن نیز زیاد نیست. وی پیش‌بینی کرد، اگر تعداد کشته‌شدگان فلسطینی بیشتر شود، ممکن است تحریمهای نفتی مجدداً برقرار شود، اما احتمال آن ضعیف است.

دیو اوریلی^(۲۱)، مدیر شورون در سخنرانی خود به اهمیت انرژی پرداخت. وی در این راستا به چهار نکته اشاره کرد. اول اینکه، اقتصاد برای رشد نیاز به انرژی دارد. ثانیاً، اینترنت راه تجارت را تغییر می‌دهد، اما اساس و بنیان تجارت را نمی‌تواند تغییر دهد. سوم اینکه، نقش ما در این میان، عرضه انرژی به شکلی مطمئن و کارآمد است و در حال حاضر این نقش بیشتر از سایر دوران‌ها است. و نهایتاً اینکه، ما باید نقش خود را به گونه‌ای ایفا کنیم که دوباره اعتماد مشتریان و سهامداران خود را به دست آوریم.

در هر حال، واضح است که اقتصادهای قدیم و جدید هر دو نیازمند انرژی هستند و به ویژه کشورهای در حال توسعه. اکنون در کالیفرنیا فروشگاههای Online وجود دارد که وبون^(۲۲) نامیده می‌شوند و شما می‌توانید به سرعت سفارش کالا بدهید. در آمریکا از برق در موتورهای جدید استفاده می‌شود که در ده سال گذشته تعداد این موتورها رشد چشمگیری داشته است. در گذشته تعداد رایانه‌ها بسیار اندک بود، در حالی که اکنون در آمریکا ۲۰۰ میلیون رایانه شخصی به شش میلیون خدمات دهنده رایانه‌ای متصل هستند. اکنون مردم نیاز به برق بیشتر، جابجایی بیشتر، خدمات بیشتر و بنابراین انرژی بیشتری دارند. خبر خوش این که جهان امروز GDP بیشتری از انرژی به دست می‌آورد. از طرف دیگر، قیمت نفت نمی‌تواند به اقتصاد ضربه بزند، زیرا راندمان انرژی در جهان بالا می‌رود، اما شدت انرژی پایین می‌آید، ولی این امر به مفهوم آن نیست که وابستگی به انرژی کم شده است. وی افزود، اکنون تعداد بسیار زیادی از شرکتها با استفاده از تجارت الکترونیکی در حال فعالیت هستند. شورون نیز در این ارتباط شروع به فعالیت کرده و از طریق اینترنت تمامی واحدهای آن با یکدیگر

در ارتباط هستند و در این شرکت تمرکززدایی صورت پذیرفته است که این روند موجب تصمیم‌گیری سریعتر و بهتر خواهد شد. وی سپس در ارتباط با بهبود تکنولوژی و پیشرفتهایی که صنعت نفت داشته است، مطالبی بیان کرد. او سپس به مطالعه اخیر دوچ بانک اشاره کرد که ۱۴ شرکت بزرگ نفت و گاز در سال ۲۰۰۰، به میزان ۶۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده‌اند که این رقم در پنج سال آینده به ۷۸ میلیارد دلار خواهد رسید.

سخنران ویژه روز دوم

سخنران روز دوم، مدیر شرکت نفت توتال فینالاف بود که قبل از آغاز سخنرانی، آقای پارا وزیر نفت سابق ونزوئلا به معرفی وی پرداخت و

در میان شرکتهای نفتی،
تنها شرکت ترانس کوم
شاهد ۲۵۹ درصد افزایش
در قیمت سهام خود بوده است.
در حالی که
اغلب شرکتهایی که در زمینه
گاز و برق فعالیت داشته‌اند،
پیش از ۳۰۰ درصد
افزایش قیمت سهام را
تجربه کرده‌اند

از ایشان به عنوان یکی از مدیران خلق شده در دوران اخیر یاد کرد.

تیری دسمارست^(۲۳) رئیس و مدیرعامل توتال فینالاف، در خصوص فعالیتهای این شرکت در مناطق مختلف جهان به سخنرانی پرداخت. وی در ابتدا با اشاره به ادغام سه شرکت توتال، فینا و الف گفت، این شرکت پنجمین شرکت نفتی دنیا از لحاظ تولید نفت و ظرفیت پالایشی است و از بعد سرمایه در رتبه چهارم قرار می‌گیرد. ذخایر نفتی این شرکت در هفت کشور متمرکز شده که ۲۰ درصد آن در انگلستان، ونزوئلا و آنگولا و ۵۰ درصد آن نیز در نیجریه، امارات متحده عربی، نروژ و اندونزی قرار گرفته‌است. در نیمه اول سال ۲۰۰۰، به طور

متوسط روزانه ۲/۱۴۲ میلیون بشکه مغادل نفت تولید انجام گرفته که براساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۰۵ تولید این شرکت به ۲/۸ میلیون بشکه در روز افزایش یابد که در آن قیمت نفت بشکه‌ای ۱۷ دلار در نظر گرفته شده است. زیرا به عقیده این شرکت، قیمت‌های بالای نفت موقتی بوده و به زودی کاهش خواهد یافت.

وی افزود، این شرکت از بعد اکتشاف نیز سال موفقی را پشت سر گذاشته که عمده‌ترین آنها در خلیج مکزیک، قزاقستان، ترینیداد، نیجریه، کنگو، آنگولا، بولیوی و آذربایجان صورت گرفته است. در غرب آفریقا نیز موفقیت‌هایی در ارتباط با اکتشاف در آبهای عمیق به دست آمده است. پیش‌بینی می‌گردد که تولید این شرکت در آمریکای جنوبی از سطح ۱۵۰ هزار بشکه در روز به ۲۵۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۰۵ افزایش یابد.

شرکت توتال فینا الف در تولید LNG نیز نقش مهمی ایفا می‌نماید. به طوری که در LNG قطر این شرکت ۱۰ درصد، در شرکت ادگاز ۵ درصد، در نیجریه ۱۵ درصد، در پروژۀ LNG یمن ۳۶ درصد، در LNG عمان ۵/۵۴ درصد و در بوتانگ اندونزی در سال ۲۰۰۰ به میزان ۳۰ درصد (که در سال ۲۰۰۵ به ۳۵ درصد خواهد رسید) سهم دارد.

در بخش پالایش و بازاریابی در اروپا، این شرکت در رتبه اول جای دارد. این شرکت در آفریقا فعالیت گسترده‌ای دارد، به طوری که دومین شرکت نفتی در این قاره است. این شرکت قصد دارد تا با بهبود بهره‌وری و کارایی، در سال ۲۰۰۳ سود پالایشی را به ۱/۷ دلار در هر بشکه افزایش دهد. در بخش پتروشیمی نیز هدف شرکت، افزایش بهره‌وری و بهبود نرخ بازگشت سرمایه است. فعالیت این شرکت در بخش پالایشی نیز افزایش خواهد یافت، به طوری که در سال ۲۰۰۵ سهم بخش پالایشی از ۴۳ درصد سال ۱۹۹۹ به ۵۰ می‌رسد و سهم بخشهای پایین‌دستی و پتروشیمی نیز به طور مساوی، یعنی ۲۵ درصد تقسیم خواهد شد. توتال فینالاف برای قوی‌تر شدن، این راه‌ها را در پیش گرفته است:

- ۱- انتخاب استراتژی مناسب و عالی
- ۲- استفاده مطلوب از موقعیتهای مناسب برای کسب سود
- ۳- اتخاذ ترکیبی از بهره‌وری، همیاری و رشد

که منجر به دو برابر شدن درآمد خالص بین سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ می‌شود

۴- اتخاذ برنامه‌های مالی سخت‌تر که موقعیت شرکت را بهبود می‌بخشد.

مدیریت و محیط زیست

سخنران بعدی، جان میچل (۲۴)، رئیس بخش برنامه‌ریزی انرژی و محیط زیست مؤسسه سلطنتی و امور بین‌المللی انگلستان بود. وی در مورد محیط زیست معتقد بود، در اجرای سیاست‌های محیط زیستی، برخی از این رهگذر پول به دست خواهند آورد و برخی پول از دست خواهند داد. البته شرکت‌های نفتی عادت کرده‌اند که از موقعیت‌ها استفاده کرده و به دنبال کسب درآمد باشند، اما به تدریج روابط داخلی به سمت خارج و تأثیرپذیری از آنها حرکت می‌کند. به هر حال در خصوص مسائل مربوط به محیط زیست دو راه وجود دارد. طریق اول، ادامه راه گذشته و طریق دوم، توجه بیشتر به مسائل محیط زیست است.

ژئوپلیتیک نفت

مهدی ورزی، کارشناس مؤسسه کلاین ورت-سنسون (۲۵) اولین سخنران کمیته ژئوپلیتیک نفت بود که مطالب وی عمدتاً در مورد ایران بود. وی در آغاز به این نکته اشاره کرد که در شرایط کنونی، همه به فکر موضوع ژئوپلیتیک افتاده‌اند، البته در این خصوص چیزی عرض نشده، فقط قیمت‌ها بالا رفته است. او یک به فکر حداکثر کردن درآمد خود است، اما این سازمان در بلندمدت باید به سلامت بازار نیز بیاندیشد. وی در مورد اهمیت بخش نفت ایران، این نکات را متذکر شد که اولاً ایران هم در خزر و هم در خلیج فارس دارای مزایای فوق‌العاده‌ای است، ثانیاً ذخایر نفت و گاز ایران عظیم است، ثالثاً هزینه‌های تولیدی در سطح بسیار پایینی قرار دارد و رابعاً اینکه، ایران یک بازار بزرگ است.

وی به این نکته اشاره کرد که هرچند سرمایه و تکنولوژی در مناطق تولیدی خارج از خلیج فارس به کار گرفته شده است، ولی نمی‌توان رشد تقاضای جهانی را بدون افزایش ظرفیت تولید در خلیج فارس پاسخگو بود. به علاوه، اعتقاد بر این است که تداوم تحریم آمریکا علیه ایران و تحریم سازمان ملل علیه عراق زیان‌بخش خواهد بود. اما امروزه این سؤال مطرح است که چه کارهایی باید انجام شود تا

بتوان تمامی امکانات بالقوه منطقه را که حدود ۶۵ درصد از ذخایر اثبات شده نفت است، به کار گرفت.

به اعتقاد وی در حال حاضر، نفت مواجه با رقابت با سایر منابع انرژی است و همچنین فشارهای زیست‌محیطی در کشورهای مصرف‌کننده افزایش یافته است که خود سبب فشار بیشتر بر نفت می‌شود، از این رو به اعتقاد من، طی ۲۰ سال آینده مرگ نفت فراخواهد رسید. در حقیقت این همان بلایی است که بر سر زغال سنگ آمد، در حالی که در ۴۰-۳۰ سال گذشته صحبت از عصر طلایی زغال سنگ بود.

به نظر وی، ایران دارای موقعیت استراتژیکی است. ورزی افزود، به اعتقاد من باز شدن بخش نفت و گاز بر روی سرمایه‌گذاری خارجی یک انتخاب نیست، بلکه یک نیاز است که دلایل آن عبارت است از:

۱- شکست در سیاست‌های اقتصادی

۲- اثر نامطلوب بخش نفت بر اقتصاد

۳- کاهش ظرفیت تولید

۴- امکان بالقوه صادرات گاز.

با توجه به علاقه شرکت‌های نفتی به حضور در خاورمیانه، ایران طرح بای‌بک را که طرحی جسورانه برای مرحله اول بود، ارائه داد (که در حقیقت همان قرارداد خرید خدمات است) که بر این اساس، نرخ تضمینی ۱۸ درصدی بازگشت سرمایه به طرف مقابل پرداخته می‌شود. البته به عقیده من، این خطا است که بگوییم اصل پذیرش فرمول بای‌بک یک اشتباه است، زیرا در شرایط آن زمان، زمانی که سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز مورد توجه قرار گرفت، چنین پذیرشی یک حرکت متهورانه بود. با توجه به اینکه هر چیزی تاریخ خاص خودش را دارد و همه چیز در حال تغییر است، باید گفت که بای‌بک نیز نواقصی دارد که لازم است تا هرچه سریعتر برطرف گردد. این نواقص عبارتند از:

۱- نرخ بازده ثابت

۲- کوتاه بودن طول مدت قرارداد

۳- مفاد قرارداد انعطاف‌پذیر نبوده و نمی‌تواند مورد مذاکره مجدد قرار گیرد

۴- آینده کشور را به رهن می‌گذارد

۵- انتقال تکنولوژی در آن بسیار محدود است

۶- عدم انتقال مهارت‌های مدیریتی

۷- کاغذبازی فراوان

۸- بالا بودن نرخ بازگشت سرمایه.

در هر حال ایران باید به این نکته توجه نماید

که دنیای سرمایه و تکنولوژی دوست و دشمن نمی‌شناسد و تنها به دنبال منافع تجاری است. بنابراین اگر ایران منافع مناسبی را برای سرمایه‌گذاران در نظر نگیرد، سایر کشورها چنین کاری را می‌نمایند.

این سخنران معتقد بود که در روش بیع متقابل، انگیزه سرمایه‌گذار برای بالا بردن کیفیت کار بسیار ضعیف است و این روش مانع از رقابت می‌شود، علاوه بر اینکه کلیه مخاطرات ناشی از قیمت نفت به عهده شرکت ملی نفت ایران است. از این رو باید روشی انتخاب شود که تضمین بازگشت سرمایه در آن ضعیف باشد و مدت قرارداد به اندازه عمر مخزن باشد و نیز خطرات اکتشاف به عهده طرف خارجی بوده و کارکنان ایران هم آموزش ببینند. نامبرده روش مشارکت در تولید (PSA) را برای ایران توصیه نمود.

وی معتقد بود که در ایران اصلی به نام مصلحت، حلال کلیه موانع قانونی است. شورای تشخیص مصلحت، مشکلات غیر قابل حل را حل می‌کند. حضرت امام (ره) در جنگ با عراق فرمودند، من به خاطر مصلحت زهر را می‌نوشم و صلح را قبول می‌کنم. وی ضمن انتقاد از شرکت‌های جدیدالتأسیس در وزارت نفت ایران، اظهار داشت مردم گیج شده‌اند. تشکیل شرکت‌های متعدد که خصوصی‌سازی نیست، این صورت دیگری از روش انحصار دولتی است. مردم ایران حق دارند تا در بخش‌های مختلف از جمله نفت سرمایه‌گذاری کنند، البته در شرکت‌هایی که حق تصمیم‌گیری داشته باشند و بتوانند سهام خود را به مردم بفروشند.

وی در خاتمه اعلام کرد، بیشتر سرمایه‌گذارها در اوپک و به خصوص در ایران باید توسط بخش خصوصی انجام شود و نتیجه‌گیری کرد که زمان به نفع ایران نیست و در صورت ادامه شرایط کنونی، ایران بازنده خواهد بود.

سخنران بعدی کمیته، قسان عطیه، نویسنده و محقق عراقی بود که مطالبی پیرامون وضعیت کشور خود بیان کرد. وی معتقد بود، تحریم‌های بین‌المللی علیه عراق در واقع یک تحریم آمریکایی است، در حالی که نفت عراق جریان دارد و آمریکا دومین خریدار نفت عراق است. وی خاطرنشان ساخت، تحریم یک حربه سیاسی است و تحریم عراق امکانات جدیدی به صدام داده و آن بازی با نفت است، در حالی که این حربه در گذشته در اختیار وی نبود. به طور کلی اگر تحریم‌ها از بین برود، این موفقیت

دیگری برای صدام است اگر هم باقی باشد صدام می‌تواند به کارهای تند خود ادامه دهد.

نامبرده معتقد بود که قراردادهای نفتی عراق با روسیه و فرانسه هم یک حربه سیاسی است و اصولاً صدام علیه هر چیز منطقی موضع می‌گیرد. غرب هم نگران نیست، چون نفت عراق به بازار عرضه می‌شود و ممکن است غرب به افزایش تولید عراق هم کمک کند. وی معتقد بود که سؤالات مهم در مورد عراق عبارتند از:

- ۱- تحریم‌های بین‌المللی و طول عمر آنها
- ۲- صدام و طول عمر او
- ۳- جانشین وی (که احتمالاً پسر او خواهد بود).

به اعتقاد وی، دولت عراق سعی دارد جریان نفت خود را حفظ کند تا از حمایت اروپا برخوردار شده و دیگران را نیز تشویق به سرمایه‌گذاری کند، اما اگر سیاست کنترل دوگانه ادامه یابد، این کار به حفظ عراق منجر خواهد شد. اما در این میان معلوم نیست که تکلیف کردها و دیگران چه خواهد شد، زیرا عراق که فقط در ایالت تکریت خلاصه نمی‌شود و ممکن است عراق به یوگسلاوی دیگری تبدیل شود.

سخنران بعدی این کمیته، ناتانی آر. کورن^(۲۴)، رئیس مؤسسه فارن رپورترس^(۲۷) بود که عمدتاً مطالبی پیرامون عربستان ایراد کرد. وی معتقد بود، در عربستان از این پس بخش خصوصی باید میدان‌دار باشد، چون این واقعیت را رشد جمعیت تحمیل می‌کند. وی در مورد یارانه‌ها در این کشور اظهار داشت، شرایط این کشور به گونه‌ای است که می‌توان به بخشهایی یارانه داد و بخشهای را هم از این امر محروم کرد. وی معتقد بود، رشد جمعیت فی‌نفسه نمی‌تواند بد باشد، بلکه بستگی به برخورد کشورها با این پدیده دارد.

پل اسکینر^(۲۸) مدیر شرکت شل، در ارتباط با بازارهای انرژی در جهان الکترونیکی سخنرانی نمود. و اظهار داشت، هیچ شکی وجود ندارد که تجارت الکترونیکی دارای مزایایی است. ما باید از ابداعاتی که خوب است و می‌تواند موجب افزایش سود گردد، استفاده کنیم، اما این عمل باید براساس منطق صورت پذیرد و من هیچ‌گونه مخالفتی با آن ندارم. همچون سایرین، من نیز عقیده دارم که تکنولوژی‌های جدید می‌توانند جهان ما را تغییر دهند و در حال حاضر اینترنت قصد دارد تا اطلاعات را ارزان‌تر و راحت‌تر در

دسترس همگان قرار دهد.

هزینه‌ها از طریق سایت اینترنتی B2B^(۲۹)

که در نظر گرفته‌ایم، کاهش می‌یابد. هزینه‌های کمتر برای صنعت منافی را دربر دارد، زیرا آنان در شبکه اینترنت فعالیت می‌نمایند و این شبکه در اختیار تعداد بیشتری از نقش‌آفرینان قرار دارد. بنابراین، همیشه تعداد بسیاری از این بازیگران در تجارت انرژی فعالیت می‌نمایند و در آن کمبود نقدینگی وجود ندارد. شاید سخت باشد که بتوانیم تغییرات اساسی را که اتفاق می‌افتد، ببینیم. در این میان، آن چیزی که تغییر می‌کند، ارتباط با مشتری است و زمانی که تغییرات زیادی حادث شد، آنگاه ما به سمت B2C^(۳۰) پیش خواهیم رفت.

به اعتقاد وی، ارتباط مشتریان هم

تحریم عراق

امکانات جدیدی به صدام داده

و آن بازی با نفت است،

در حالی که

این فرصت در گذشته

در اختیار وی نبود

تغییر می‌کند، یعنی آنان به هم بسیار نزدیک می‌شوند. تکنولوژی به ما اجازه می‌دهد تا برای به دست آوردن ارزش واقعی اطلاعات، آن را به بخشهای زیادی تقسیم کنیم، یعنی رابطه با مشتری را مدیریت کنیم و دسترسی به انواع اطلاعات که از عواقب طبیعی چنین پدیده‌ای است، سبب می‌گردد که بازارها شفاف‌تر و قابل دسترسی‌تر باشند. در نتیجه، بازیگران بیشتری وجود خواهند داشت و احتمالاً شاهد ظهور بازارهای بیشتر تک محموله‌ای خواهیم بود. وی در پایان افزود، من عقیده دارم که تجارت الکترونیک صنعت را به شدت دگرگون می‌سازد، همچنان که در صد سال اخیر برنده و بازنده وجود داشته است، در شرایط کنونی نیز برنده کسی است که

بتواند محصول بهتر و ارزانه‌تری ارائه داده و برای نفقات بیشتری تولید داشته باشد. وی در مورد ادغامها معتقد بود که این اقدام شرکتها را به داینامیک‌ها تبدیل می‌کند. نامبرده در انتها از تحویل فرآورده‌های نفتی توسط سیستم‌های الکترونیکی به مصرف‌کنندگان نهایی ابراز تردید کرد.

بیل ریچاردسون، وزیر انرژی آمریکا، در مراسم ناهار برای حضار مطالبی ایراد کرد. وی در ارتباط با وضعیت بازار نفت به این نکته که قیمت ۱۰ دلار در هر بشکه بسیار پایین و قیمت ۳۰ دلار در هر بشکه بسیار بالا است، تأکید نمود. همچنین در خصوص بازار فرآورده آمریکا و اینکه چگونه عوامل بازار سبب گردیده است تا فرآورده از سمت آمریکا به اروپا سرازیر شود و این پدیده آمریکا را با موقعیت دشوارتری مواجه ساخته است، بر این نکته تأکید داشت که آمریکا سیاستهای خود را تغییر نخواهد داد، اما وی اظهار امیدواری کرد که گردهمایی تولیدکننده - مصرف‌کننده در ریاض بتواند منجر به همکاری بیشتر گردد.

کسب درآمد نفتی از محیط‌های مجازی

فرانز ارهارت^(۳۱) از مؤسسه مشاوره CASCA، سخنران بعدی بود که در خصوص نفت و اینترنت سخنرانی کرد. وی گفت، دیدگاهها در ارتباط با صنعت تغییر نکرده است، ولی تغییرات در نرم‌افزارها، محاسبات و ساختار اینترنت در حال وقوع است. نامبرده به این نکته اشاره کرد که اگر بتوان هزینه‌های تعمیر و نگهداری و عملیاتی شرکت‌های نفت را تنها ۵ درصد کاهش داد، آنگاه می‌توان ۴/۳ میلیارد دلار صرفه‌جویی کرد. و اگر تنها یک چهارم خدمات و یک سوم تجهیزات به صورت آنلاین معادله گردد، صنعت قادر است تا ۱/۲ میلیارد دلار صرفه‌جویی نماید.

وی اعتقاد داشت که می‌توان از طریق تسهیلات الکترونیکی، پول زیادی را پس‌انداز کرد که به طور مثال تأثیر این تسهیلات عبارتند از:

- ۱- زمان لازم برای طرحهای توسعه‌ای را کاهش می‌دهد (از شروع تا تولید)
- ۲- هزینه مواد را در بخشهای انتقال کاهش می‌دهد (سرمایه در گردش کاهش می‌یابد)
- ۳- مراحل مختلف برنامه‌ریزی، طراحی و ساخت را ساده‌تر کرده و به آن سرعت می‌بخشد
- ۴- با استفاده از گزینه‌هایی که در ارتباط با

دسترسی به پایین‌ترین هزینه‌ها وجود دارد، می‌توان کارایی هزینه‌ها را افزایش داد. همچنین می‌توان هزینه‌های خدماتی و مواد را نیز از طریق حراج آنلاین کاهش داد.

سخنران بعدی، توماس وی مالون^(۳۲) بود که در ارتباط با تجارت الکترونیکی در بازار بورس نفتی نیمکس^(۳۳) سخنرانی کرد. وی اظهار داشت، بازارهای انرژی دارای نوساناتی است و در نتیجه تجارت الکترونیکی امکان واکنش سریع را به معامله‌گران خواهد داد. بازارهای انرژی خواستار کارایی هستند و تجارت الکترونیک می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد. تجارت الکترونیک می‌تواند شرکت‌کنندگان بیشتری را جلب نماید. همچنین نقدینگی، شفافیت و امنیت اعتباری، کارایی بازار را افزایش می‌دهد. در نیمکس، حجم بالایی از قراردادهای نفت خام که حدود ۱۵۰ هزار قرارداد در روز است، مورد معامله قرار می‌گیرد، یعنی ۱۵۰ میلیون بشکه در روز که ارزش آن بالغ بر ۵ میلیارد دلار است. همچنین نیمکس، تجارت نفت حرارتی، بنزین، گاز طبیعی، پروپان و برق را نیز ارائه می‌دهد. بازار بورس نفتی نیمکس برای اینکه بازارها را کارآمد نماید، نیمکس الکترونیکی را معرفی کرده است که در سوم ماه مه ۲۰۰۰، مورد تصویب هیئت مدیره شرکت قرار گرفت. آنچه که در نیمکس الکترونیکی مورد معامله قرار خواهد گرفت، در ابتدا نفت خام، فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی است و سپس برق، زغال سنگ و فلزات نیز به این مجموعه می‌پیوندند.

وی افزود، تجارت الکترونیکی کار پزورگی است، به طوری که در سال گذشته ۱۳۱ میلیارد دلار در سطح عمده‌فروشی تمامی صنایع به صورت آنلاین مورد معامله قرار گرفت و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۰۴، این رقم به ۳ تا ۶ تریلیون دلار بالغ گردد. همچنین تعهد شده بود که در سال ۱۹۹۹، نزدیک به ۲۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در این ارتباط انجام پذیرد. در هر نیمکس الکترونیکی حال منجر به افزایش کارایی و یکپارچه شدن بازار برای کالاهای اساسی خواهد شد.

راجر رینبو^(۳۴) نیز در ارتباط با احتمال انقلاب تجارت الکترونیکی در صنعت انرژی سخنرانی نمود. وی گفت، در سیستم بی‌تویی نیز استفاده از سیستم عصبی دیجیتال و کیلر اپس^(۳۵) مطرح است که در این مراحل همه چیز جزئی‌تر خواهد بود و اطلاعات بیشتری ارائه می‌گردد و در این خصوص محدوده جغرافیایی هم مطرح نخواهد بود. شاید اگر سال قبل سؤال می‌شد که

تجارت الکترونیکی چه تأثیر عظیمی بر صنعت نفت می‌گذارد، کسی آن را باور نداشت، اما در حال حاضر اکثریت این پدیده را باور کرده‌اند.

اقتصاد جدید: آیا تجارت الکترونیکی صنعت انرژی را دگرگون می‌سازد؟

سخنران بعد از ظهر روز دوم کنفرانس لی اسکپیپر^(۳۶) از کارشناسان ارشد آژانس بین‌المللی انرژی بود که در ارتباط با اطلاعات و بازار نفت سخنرانی نمود. وی اظهار داشت، سهم نفت در کل انرژی مصرفی کشورهای عضو OECD کاهش یافته است و اکنون ۶۶ درصد از نفت مصرفی این کشورها در بخش حمل و نقل است که در این میان بخش حمل و نقل جاده‌ای سهم عمده‌ای را در اختیار دارد و البته در حمل و نقل هوایی نیز رشد بالایی مشاهده می‌شود. اما در مورد کشورهای در حال توسعه در این خصوص اطمینانی وجود ندارد، یعنی احتمالاً مشکلات ترافیکی آنها، رشد مصرف نفت را محدود می‌سازد، ولی در هر حال نیازهای حمل و نقل آنان بسیار زیاد است و در نتیجه پیش‌بینی‌ها در این خصوص سخت خواهد بود.

به اعتقاد وی، خودروها با افزایش درآمد مصرف‌کنندگان مسافت بیشتری را طی می‌کنند و در نتیجه مصرف سوخت افزایش می‌یابد، ولی از طرفی عامل قیمت می‌تواند آن را کنترل نماید. در میان کشورهای عضو OECD، آمریکا بسیار متفاوت از سایر کشورها عمل کرده است، یعنی با افزایش درآمد، مسافت طی شده خودروها به سرعت افزایش یافته است. این پدیده (افزایش مسافرتها) در فعالیتهایی همچون استفاده از خودرو برای رفتن به محل کار و همچنین انجام کارهای اداری و خرید، در سال ۱۹۹۵ نسبت به سال ۱۹۹۰ افزایش نشان می‌دهد و البته در اروپا نیز چنین پدیده‌ای مشاهده می‌شود. به طور کلی نمی‌توان ثابت کرد که با استفاده از امکانات الکترونیکی نیاز به استفاده از خودرو کمتر خواهد شد یا خیر. این پرسشی است که هم‌اکنون نمی‌توانیم به آن پاسخگو باشیم.

وی افزود، تکنولوژی اطلاعات سبب شده است تا ارتباطات افزایش یابد و استفاده از تجارت الکترونیکی یا انتقال پیامها از راه دور و حتی تسهیلات اینترنت می‌تواند بر مسافرتها روزانه تأثیر بگذارد، ولی هنوز هم نمی‌توان اثرات آن را مشخص نمود. به طور مثال، ذخیره کردن سریع جا و بلیط، منجر به افزایش مسافرت

می‌گردد و یا شما می‌توانید به راحتی خودرویی را کرایه کنید. همچنین دفتر کار می‌تواند متحرک باشد و دیگر نیازی نیست که در یک دفتر، کار صورت پذیرد، یعنی می‌توان کار را در داخل خودرو یا هر نقطه دیگری انجام داد. در هر حال تکنولوژی اطلاعات قادر است تا رشد اقتصادی را افزایش دهد که این امر به نوبه خود می‌تواند منجر به توسعه بیشتر حمل و نقل گردد. تکنولوژی الکترونیک، کارایی حمل و نقل و به طور کلی همه چیز را افزایش می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها:

1. Energy Intelligence Group
2. Thomas Wallin
3. Eggar
4. John Arnt Jacobsen
5. Robert Maquire
6. Murali
7. Halliburton
8. Matthew Simmons
9. Harbison
10. Schudder Kemper
11. Peter Harrey
12. Hal Harvey
13. Petroleum Finance Co.
14. Robin West
15. Transcom
16. Dynergy
17. Ged Davis
18. Nalcosa
19. Franssen
20. Petroleum Economics
21. Dave O'Reilly
22. Wetwan
23. Thierry Desmarest
24. Jhon Mitchell
25. Kleinwort-Benson
26. Nathanie R.Kern
27. Foreign Reports
28. Paul Skinner
29. B2B (Business to Business)
30. B2C (Business to Consumer)
31. Franz Ehrhardt
32. Thomas V.Mallon
33. Nymex
34. Roger Rainbow
35. Killer Apps
36. Lee Skipper